

تماشاخانه

کیوان زرگری | کارتون‌نویست | keyvanzargari@yahoo.com



پیراگفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرنگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره نهم و پنجاه و ششم



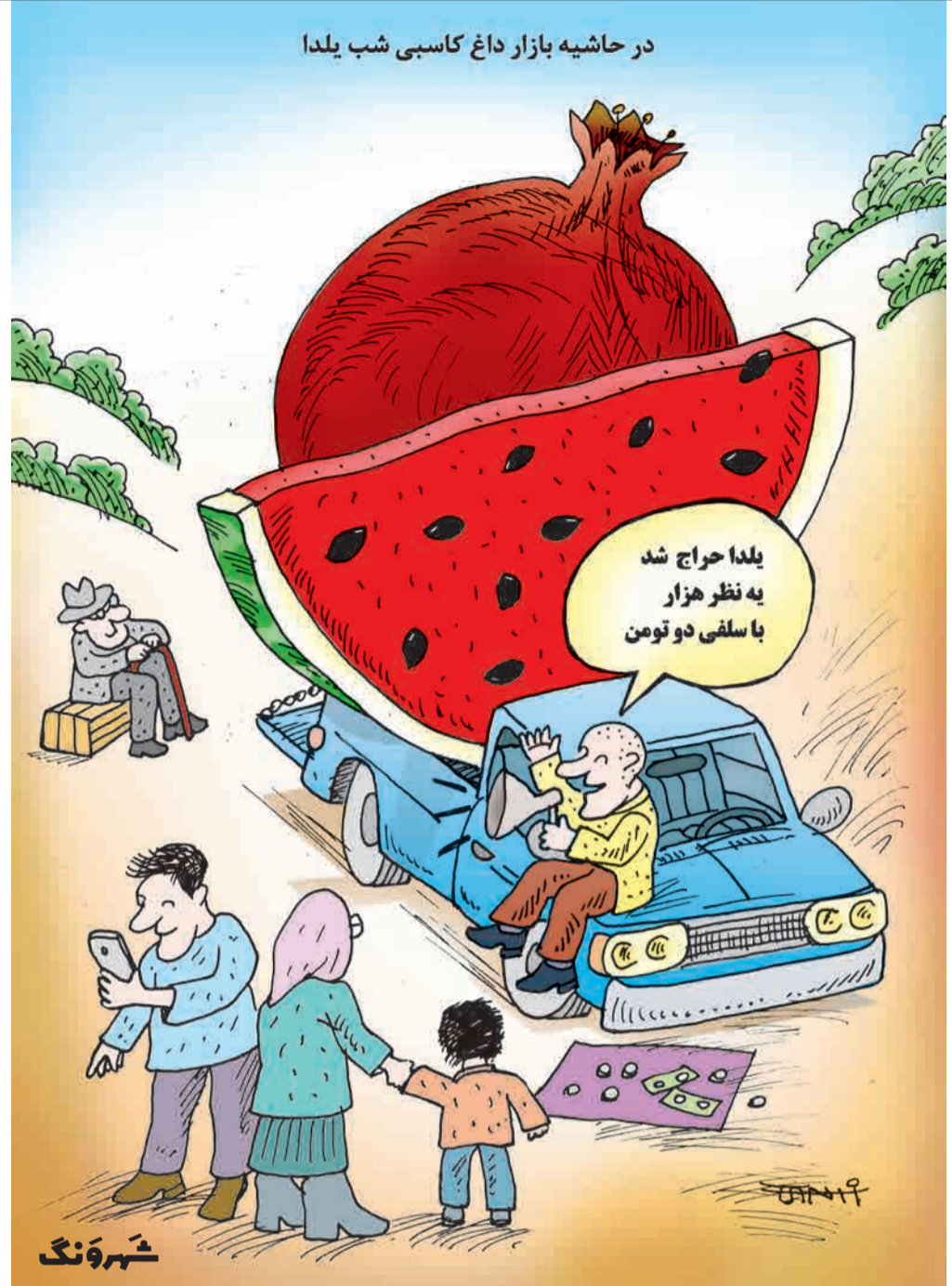
یک مسئول: باید واقعیت‌های تحریم را به مردم می‌گفتیم

ولی نگفتم تا به صورت عملی لمسش کنند!

مردم: آگه بیشتر از اینم چیزی هست بگید، ماطقتش روداریم!
یک شهروند: شما گفتید، ولی متاسفانه ما باز هم سهل انگاری کردیم!
یک شهروند دیگر: فقط بگید چندمر حله مونده و چقدر دیگه باید دووم بیاریم!
یک مسئول: نگفتم، چون «شنیدن کی بود مانند بدیدن!»
#طنز #واقعیت در دناک است #چیزی نیست الان تموم می شه #شهرنگ

۵۴ درصد: فاقد نان و آب و هوا و سوخت و مسکن و شغل هم هستیم!

یک شهروند: تنها کسی که بیمه ام کرد، مادر م بود!
یک شهروند دیگر: چشم انداز من تا هفته دیگه رومی بینم، بر نامه بلندمدتی ندارم که بخوام به خاطرش بیمه بشم!
یک کارفرما: نه تنها بیمه نمی کنیم، بلکه احتمالاً حقوق هم ندیم بهت!
یک مسئول: من فقط امار می دم، باقیش رو خودتون می دونید!
#طنز #بیمه چی هست #اونما هم که دارند انگار ندارند #شهرنگ



تقویم آینده تاریخ ۱۳

کاشت بذر امید در دل‌ها
باسور پرایز وزیر



اساسا در کشور ما هر کلمه یا عبارتی الزاما مفهوم واحدی را منتقل نمی‌کند؛ به عنوان مثال کلمه تورم با اینکه یک تعریف واحد در تمام دنیا دارد اما در کشور ما از هر زاویه‌ای که نگاه کنی معانی متفاوتی را در برمی‌گیرد. از دید اکثر مردم در کشور تورم شدیدی وجود دارد، از دید تعداد کمی از مردم این تورم اگر چه وجود دارد اما زیاده هم نیست و کمش خوب است اتفاقا. از دید مسئولان اما اساسا تورمی وجود ندارد؛ چه برسد به کم و زیادش. از این دست کلمات و عبارات بسیار زیاد است اما در آخرین و عجیب‌ترین مورد کلمه «سورپرایز» به طور کلی مفهوم خود را از دست داد و بدبخت ماهیتی برایش نماند. وزیر جوان ارتباطات پس از یک هفته وعده «سورپرایز» به مردم با آن لبخند همیشگی، پهباد نامه‌بر را رونمایی کرد تا مردم دیگر خیالشان از بابت رسیدن به موقع بسته‌های پستی راحت باشد. پس از این سورپرایز جنجالی، خبرنگاران شهروند از اقصی نقاط ایران گزارش‌هایی برای ما ارسال کردند که توجه شما را به تعدادی از این گزارش‌ها جلب می‌کنم:

• از همان ساعات ابتدایی این خبر سورپرایز کننده بخشی از مردم با خوشحالی تمام در حالی که مشغول خوردن نان خالی و بعضا سوپ پای مرغ بودند، از مسئولان تشکر کردند. از شرق و غرب کشور خبر رسید مردم برای شادی به خیابان‌ها ریختند و با آب خالی از بقیه پذیرایی کردند.

• مردم که از گرانی بنزین که البته هرگز باعث افزایش قیمت سایر اقلام نشده بود، شکایت داشتند و به محض شنیدن سورپرایز وزارت ارتباطات، آرامشی عجیب در دل‌هایشان حکمفرما شد. آنان در کوچه و خیابان به تمجید از مسئولان پرداخته و بهجت ذاتی مسئولان را کلید این همه موفقیت و پیشرفت ارزیابی کردند.

• جوانی از دهک‌های پایین در شرق تهران به مناسبت این اقدام میمون وزیر ارتباطات و به صورت نمادین ازدواج کرد. این جوان در مصاحبه‌ای با خبرنگاران هدف از این حرکت نمادین را ترویج ازدواج دانست و گفت «پس از اینکه فهمیدم می‌توانم از این پس برای ارسال مرسولات پستی از پهباد استفاده کرد و دیگر نیاید نگران رسیدن بسته پستی بود، تمام مشکلاتی که بر سر ازدواج داشتیم رفع شد. گفتنی است این جوان بلافاصله پس از این مصاحبه عقد کرده و همراه با عروس به ستاد انتخابات کشور رفت تا رأی خودشان را به صندوق‌ها بیندازند؛ اما کارمندان وزارت کشور به وی گوشزد کردند که کمی زود آمده است.

خار مغیلان

شعر نگو، گل گاوزبون بخور



این روزها شرایط نامناسب اقتصادی کشور متأسفانه تعداد کثیری از افراد جامعه را دچار فروپاشی عصبی کرده است به طوری که این عصبیت در میان شاعران مملکت هم به وضوح دیده می‌شود. گواه این مدعا هم اینکه دیروز دوستی شعری برایم فرستاد که عصبانیت شاعر در آن به‌طور آشکار دیده می‌شد. شعر این بود:

ترکیبات شیرینی که طرف توی دلش درست کرده بخوری. اصلا درست هم نیست.
در همان صفحه‌ای که شعر آن بزرگوار را با طرح‌های گرافیکی منتشر کرده، شعر دیگری دیده می‌شود که بر نظریه گسست روانی برخی از شعرای امروز وطن صحه می‌گذارد. خانم شاعر خیلی قاطعانه شعر را آغاز می‌کند:

به جهنم که نیستی!
مگر مغول‌ها یک قرن تمام حمله نکردند؟
مگر نگذشت؟
نبودن تو هم می‌گذرد
به هیچ کجای جهان هم بر نمی‌خورد

در همین باره مصاحبه‌ای با یکی از آگاهان ترتیب دادیم:
سلام. لطفا خودتان را معرفی کنید
با درود بر شما ... بنده هیچ کجای جهان هستم.
شما در جریان سرودن این شعر بودید؟
خیر. متأسفانه در این جریان کمی کج سلیقگی صورت گرفت و قبل از سرایش از بنده کسب اطلاع نشد.
خب شاعر می‌گوید نبودن تو به هیچ کجای جهان بر نمی‌خورد. این صحبت‌ها تا چه اندازه صحت دارد؟
بنده کاملاً تکذیب می‌کنم. به من برخورد.
خیلی ممنون. صحبت دیگری ندارد؟
ندارد!

چرا. عرض کوچکی دارم. بنده با اینکه هیچ کجای جهان هستم اما به هر حال لازم به ذکر می‌دانم که بگویم حملات مغول کلاسی و هفت سال طول کشید نه یک قرن. بعد هم اینکه نبودن معشوق اگر خواهد صد سال هم نه همون سی و هفت سال طول بکشد که پدر صاب عاشق در می‌آید. آخر این چه منطقی است؟
با تشکر از هیچ کجای جهان لازم به ذکر است این خشونت کلامی در شعرهای سپید عصر ما در کتاب خانم بازیگر هم به چشم می‌خورد. جایی که در شعری به نام افسوس سرودند:

دست در دست کسی داشت
دست‌هایم لرزید
کاش هرگز او را...
کاش هرگز من را...

شاید از خود بپرسید کاش هرگز او را چی؟ کاش هرگز من را چی؟ مخاطبان هوشمند باید عنایت داشته باشند که در این شعر مضامین خشونت‌بار، حذف به قرینه فیزیکی شده‌اند و به طرز زندانه و زیرکانه‌ای این سه نقطه است که جای آنها را گرفته است. البته شاید منظور شاعر از سه نقطه فعل «می‌دید» باشد. به هر حال مسأله‌ای که قابل توجه است بی‌اعصابی شاعران زمانه ماست که باید به آن توجه ویژه داشت. با توجه به علاقه عجیب این بزرگواران به قهوه و چای و دمنوش بنده دمنوش گل گاوزبان را پیشنهاد می‌دهم که البته زیاد امیدوی به استفاده‌اش نیست، چون گل گاوزبان زیبایی ادبی خاصی ندارد!



شهر نگار

ظرافت‌های کار تونی نیویورکی



یحیی تدین | مجله نیویورک (New Yorker) نشریه‌ای آمریکایی است که از سال ۱۹۲۵ هر هفته به چاپ می‌رسد و در کنار موضوعاتی چون هنر، ادبیات، اقتصاد و سیاست به معرفی آثار کارتون‌نویست‌های صاحب سبک می‌پردازد. محتویات نشریه اگر چه به شیوه زندگی نیویورکی و فرهنگ آمریکایی نزدیک است، اما مخاطبان بین‌المللی دارد. خوانندگان نیویورک در کنار مطالعه مطالب با ارزش آن با مجموعه‌ای از کارتون‌ها و شوخی‌های لذت‌بخش مواجه می‌شوند که درک آنها نیاز به دقت و ظرافت طبع دارد. «باب مانکوف» که حدود ۲۰ سال وظیفه هدایت بخش کارتون مجله را به عهده داشته است، درباره شیوه انتخاب و چاپ آثار کارتون‌نویست‌ها می‌گوید: «هر هفته ۱۵ تا ۲۰ کارتون را انتخاب می‌کنیم و حدود ۱۰ هزار دلار بابت آنها می‌پردازیم، ولی طنز نوشته‌ها را از همه کس قبول می‌کنیم هر که ایده بامزای داشته باشد، می‌پذیریم و استفاده می‌کنیم.» او ادامه می‌دهد: «تا سال ۲۰۱۰ یعنی طی ۸۵ سال از زمان تأسیس مجله، نزدیک به ۷۵ هزار کارتون در نیویورک منتشر کرده‌ایم.» قابل ذکر است تمامی روی جلد‌های نیویورک از همان ابتدا با آثار کارتون‌نویست‌ها مزین شده است که از میان آنها می‌توان به نام‌های بزرگانی چون «استاینبرگ»، «رونالد سیرل» و «سمپه» اشاره کرد.

